

روزنامه مستقل

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۸۲۸

مرثیه‌ای برای یک محیط بان و یک هشدار برای همه ما؛

برای هدایت، که تنها نماند

وضعیت مربیان در لیگ بیست و چهارم
زیر ذره بین «دنیای هوادار»؛

این نیمکت‌های داغ

خودکفایی در فناوری هسته‌ای
چگونه نماد استقلال شد؟

غنی‌سازی، شمایل خودباوری ایرانی

«دنیای هوادار» بررسی می‌کند: البرز چگونه می‌تواند نقشه هوانوردی ایران را بازتعریف کند؟

پیام برخاست

فرودگاه بین‌المللی پیام
Payam International Airport



یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید مهدی شیرازی اقباش» که ۲۰ فروردین ۶۶ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

خودکفایی در فناوری هسته‌ای چگونه نماد استقلال شد؟

غنی‌سازی، شمایل

خودباوری ایرانی

مهدی صالحی

در روزگاره فشار، تحریم و تهدید، آنچه یک ملت را از مسیر وابستگی جدا می‌کند نه معامله و مصلحت‌سنجی‌های زودگذر، بلکه «خودباوری» و ایستادن بر اصول است. در این میان، سخنان روشن‌نگر رهبر معظم انقلاب در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) بار دیگر این حقیقت را یادآور شد که فناوری هسته‌ای ایران نه یک موضوع صرفاً فنی، بلکه سنگ بنای استقلال ملی و محصول اعتماد به جوانان این سرزمین است.

در شرایطی که آمریکا پس از پنج دور مذاکره غیرمستقیم از طریق عمان، با ارائه طرحی جدید تلاش کرد تا ایران را به تعلیق کامل غنی‌سازی اورانیوم وادار کند، موضع قاطع جمهوری اسلامی، برگرفته از گفت‌وگو مقاومت و عقلانیت، به‌روشنی اعلام شد: «صنعت هسته‌ای بدون غنی‌سازی یعنی هیچ!» این جمله کلیدی مقام معظم رهبری نه‌تنها تفسیر فنی دقیق از موقعیت ایران است، بلکه مرز راهبردی تمایز میان استقلال فناورانه و سازش فناورانه را ترسیم می‌کند.

پیشنهادهای آمریکا اگرچه در ظاهر رنگ همکاری منطقه‌ای و کنسرسیومی دارد، اما در باطن، نوعی انحصارطلبی و اعمال هژمونی بر اراده ملت‌ها را تداعی می‌کند. آمریکا که خود هزاران کلاهک هسته‌ای در زرادخانه دارد، امروز می‌خواهد مانع از دسترسی ایران به فناوری صلح‌آمیز و بومی هسته‌ای شود؟ این همان استاندارد دوگانه‌ای است که رهبر انقلاب سال‌هاست نسبت به آن هشدار داده‌اند و امروز بیش از همیشه برای افکار عمومی روشن شده است. نکته مهم در بیانات ایشان، تأکید بر پیوند میان استقلال هسته‌ای با عزت ملی است. ایران با اتکا به دانشمندان داخلی، بدون نیاز به کمک بیگانگان، به چرخه کامل سوخت هسته‌ای دست یافته است؛ این یعنی استقلال در یکی از حساس‌ترین حوزه‌های علمی جهان. غنی‌سازی دیگر فقط یک فناوری نیست، بلکه یک نماد است: نماد «ما می‌توانیم» در برابر «شما نباید»‌های تحمیلی.

از منظر راهبردی، جمهوری اسلامی با تکیه بر اصول، در برابر سیاست چمق و هویش آمریکا ایستاده و نشان داده که معامله بر سر منافع حیاتی کشور، جایی در راهبردهای کلان ندارد. این ایستادگی نه‌تنها هزینه نیست، بلکه سرمایه‌ای است برای ساختن آینده‌ای مستقل، مقتدر و علمی. افزون بر این، آنچه رهبر انقلاب در این سخنرانی ترسیم کردند، تنها یک موضع‌گیری مقطعی نیست، بلکه امتداد یک راهبرد تاریخی است که از آغاز انقلاب اسلامی با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی آغاز شد و اکنون در قالب مقاومت فناورانه ادامه یافته است.

صنعت هسته‌ای ایران، برخلاف تصویرسازی رسانه‌های غربی، نه تهدیدی برای صلح، بلکه دستاوردی برای توسعه پایدار است. تجربه نشان داده هر جا بر ظرفیت داخلی تکیه شده، پیشرفت حاصل شده است. حال که دشمنان با طرح‌های رنگارنگ به دنبال مهار این پیشرفت‌اند، مهم‌تر از همیشه است که مردم و مسئولان، در سایه هدایت‌های رهبر انقلاب، با وحدت و هوشیاری، از این سرمایه ملی محافظت کنند.

شکست ژاپن در ماموریت فرود ماه نورد بر روی سطح کره ماه

شرکت ژاپنی آی‌اسپیس اعلام کرد که مأمور آن احتمالاً در جریان تلاش برای فرود بر سطح ماه در روز جمعه، سقوط کرده است. این دومین ماموریت ناموفق ژاپن در فرود آوردن یک ماه نورد بر روی سطح کره ماه در دو سال گذشته است. شرکت آی‌اسپیس مستقر در توکیو امیدوار بود به شرکت‌های آمریکایی اینتوییتیو ماشینز، افایکس نیو تب و فایرفلای ایرواسپیس به عنوان شرکت‌هایی که فرود موفق انجام داده‌اند، بپیوند. آی‌اسپیس در بیانیه‌ای اعلام کرد که رزلینس به عنوان دومین مأمور، هنگام نزدیک شدن به ماه نتوانست به اندازه کافی سرعت خود را کم کند و این شرکت پس از یک فرود احتمالی سخت، نتوانسته با این فضاپیما ارتباط برقرار کند.

دنیایک سوادار

شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴ شماره ۱۸۲۸

رویداد

حرف اول

مرثیه‌ای برای یک محیط بان و یک هشدار برای همه ما؛

برای هدایت، که تنهانماند

ایمان روزبهنایی

است، و متجاوزان، همیشه گروهی. و پشت آن یک نفر، نه قانونی مقتدر است، نه تجهیزاتی هم‌تراز با خطر. گویی ما می‌خواهیم جنگلی را با یک داس نگه داریم، آن هم در مقابل بولدوزرهای طمع.

ساختار ناتوان، جامعه بی‌مطالبه

مسئله اصلی در مرگ امثال هدایت‌الله، فقط خلأ نیروی انسانی یا کمبود تجهیزات نیست. این مرگ‌ها محصول یک زنجیره‌اند: فقر اقتصادی، ضعف آموزش عمومی محیط‌زیست، ترس از انتقاد، عقب‌نشینی در برابر لابی شکارچیان بانفوذ، و مهم‌تر از همه، ناتوانی در تولید مطالبه‌ی عمومی مؤثر. تا وقتی جامعه از سر دلسوزی صرف، به یاد محیط‌بانان می‌افتد، و نه از سر شناخت و مشارکت، این چرخه ادامه دارد.

فراموش نکنیم که حفاظت از طبیعت با اسلحه آغاز نشده، و با اسلحه نیز به‌تنهایی دوام نمی‌یابد. امروز جهان به سمت مکاتب جدید حفاظتی رفته: بهره‌برداری پایدار، مناطق خصوصی تحت حفاظت، و هم‌سویی منافع بومی با حفظ تنوع زیستی. اما ما هنوز با توهم قدرت زور، در پی ایجاد مناطق حفاظت‌شده دولتی تازه‌ایم؛ بی‌آنکه توان حراست از مناطق فعلی را داشته باشیم.

پاسخ، همان است که سال‌ها در یادداشت‌ها، جلسات، سخنرانی‌ها و مقاله‌ها آمده: افزایش تعداد محیط‌بانان، تأمین تجهیزات مدرن، اصلاح قوانین حمایتی، استفاده از فناوری‌های بومی، آموزش عمومی و درگیر کردن جامعه. اما چرا عمل نمی‌کنیم؟ چون «عاقبت‌طلبی» را انتخاب کرده‌ایم. چون ترجیح می‌دهیم با انتقادهای احساسی و سطحی مواجه نشویم. چون ساختارهای اجرایی ماتوانایی و جسارت تحول ندارند. چون نگاه دولت به محیط زیست، اغلب نه یک اولویت، بلکه یک حاشیه است. وقتی بیش از ۲۰۰ پاسگاه محیط‌بانی در کشور عملاً تعطیل شده‌اند، وقتی برخی مناطق حفاظت‌شده فقط روی نقشه حضور

در کشور ما، مرگ، گاه نه پایان یک زندگی، که آغاز یک هشدار است. هدایت‌الله دیدبان، محیط‌بان دلاور منطقه حفاظت‌شده خائیز، با چهره‌ای آرام اما اراده‌ای آهنین، به یکی از همین هشدارهای زنده بدل شده بود. و اکنون، با شهادتش، به فریادی خون‌آلود بدل شده که بی‌پاسخ ماندنش، فقط به تکرار فاجعه منجر می‌شود. هدایت تنها نبود، اما تنها رفته است. نه به خاطر کمبود دوستان، که به دلیل کم‌کاری ساختار.

در دل کوه‌ها و دشت‌هایی که باید امن‌ترین پناهگاه برای حیات وحش باشند، گلوله‌های متجاوزان به قانون و طمع‌کاران، پیکر حافظان طبیعت را نشانه می‌گیرند. هنوز داغ یاسر مصدق تازه است، هنوز چشم‌های نگران دخترک نارگل در حافظه‌ها زنده است، که خبر شهادت هدایت، دوباره همه چیز را فرو می‌ریزد. آیا واقعاً ما یاد گرفته‌ایم که چگونه باید از حافظان طبیعت‌مان محافظت کنیم؟ یا تنها در آیین خاکسپاری، فاتحه‌ای برای وجدان خود می‌خوانیم؟

محیط‌بانی در سایهٔ رمانتیسیم و بی‌عدالتی

برای جامعه‌ای که حفاظت از محیط زیست را «فانتزی» می‌داند، مرگ یک محیط‌بان شاید فقط خبری تلخ باشد، نه فاجعه‌ای ملی. اما برای آنان که سال‌ها با هدایت‌الله دیدبان زیسته‌اند، مرگ او زخمی است بر وجدان جمعی. او همان کسی بود که تصویرش در برابر یک شکارچی مسلح، با هیبتی ترسناک، به مثابه نماد مقاومت در برابر شر، دست‌نبرد شد. آن تصویر اما حالا با خون رنگ گرفته است. و باز باید پرسید: چطور ممکن است چنین کسی، که بارها نشان داد شجاعتش کم از یک نیروی زنده نیست، این چنین تنها باشد؟ این سؤال، پاسخش روشن است، اما دردناک: در کشور ما، محیط‌بان همیشه یکی

ماجرای لایحه‌ای که رابطه ترامپ و ماسک را شرکاب کرد

اشکان کاردانی

به تلخی گراییده و این اتحاد استراتژیک به تقابلی علنی و بی‌سابقه تبدیل شده است.

اختلاف بر سر «لایحه بزرگ و زیبا» محور اصلی اختلاف، لایحه مالیاتی بزرگی است که ترامپ آن را «One Big Beautiful Bill» نام نهاده است (لایحه بزرگ و زیبا) - لایحه‌ای که به گفته کاخ سفید، می‌تواند رشد اقتصادی آمریکا را به سطحی بی‌سابقه برساند اما بر اساس ارزیابی دفتر بودجه کنگره، این لایحه ممکن است تا یک دهه آینده، کسری بودجه آمریکا را ۲.۵ تریلیون دلار افزایش دهد.

ایلان ماسک که ریاست «اداره کارآمدسازی دولت» (DOGE) را بر عهده داشت، از مخالفان سرسخت این لایحه بوده است. او معتقد است که این طرح نقته‌ها با برنامه‌های کاهش هزینه دولت در تضاد است، بلکه با حذف معافیت‌های مالیاتی برای خودروهای برقی، به شرکت تسلا، ضربه مستقیم وارد می‌کند.

مثلاً در ماه مارس ۲۰۲۵، ترامپ در تجمع انتخاباتی خود در آریزونا، به صراحت اعلام کرد که «ایلان ماسک آدم باهوشی است، اما به‌درد سیاست نمی‌خورد. او به‌جای نجات آمریکا، دنبال

روابط دونالد ترامپ و ایلان ماسک طی هفته گذشته به‌طور علنی به بن‌بست رسید؛ اختلاف بر سر «طرح بزرگ مالیاتی» ترامپ، این شکاف را به سطح حزب جمهوری‌خواه و بازارهای مالی آمریکا کشانده و آینده سیاسی و اقتصادی هر دو را تحت تأثیر قرار داده است.

روابط نزدیک دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و ایلان ماسک میلیاردر حوزه فناوری که در پیروزی قاطع جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ (۱۴۰۳ شمسی) نقش کلیدی ایفا کرد، طی روزهای اخیر به شکلی علنی به تیرگی گراییده است.

به گفته تحلیل‌گران، اختلاف شدید میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و ایلان ماسک، میلیاردر و چهره شاخص تکنولوژی، اجتناب‌ناپذیر بود؛ اتحاد آن‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ نقشی کلیدی در پیروزی جمهوری‌خواهان داشت و هر دو امیدوار بودند با این پیروزی، مسیر تازه‌ای برای سیاست آمریکا ترسیم کنند اما اکنون، تنها چند ماه بعد، ماه عسل روابط این دو رنگ باخته،

ارسال موشک به مریخ است».

در پاسخ، ماسک در پلتفرم X (توییتر سابق) نوشت: «ما به آینده نیاز داریم، نه بازگشت به گذشته. رهبرانی که از علم می‌ترسند، خطرناک‌تر از دشمن خارجی هستند».

این جدال، تنها یک جنگ لفظی نبود، بلکه مقدمه‌ای بر جدایی استراتژیک نخبگان تکنولوژی از ترامپیسم کلاسیک شد؛ جدالی که برخی از ناظران، آن را نبرد بین علم و عوام‌فریبی خواندند. با تشدید اختلاف‌ها، ایلان ماسک در پایان ماه مه ۲۰۲۵ از دولت کناره‌گیری کرد تا تمرکز خود را بر شرکت‌های اصلی‌اش، از جمله تسلا و اسپیس‌ایکس بگذارد. به دنبال آن، انتقادات علنی‌اش از ترامپ شدت گرفت. ماسک به‌صراحت اعلام کرد که لایحه ترامپ «غیرمستولانه و ضد توسعه فناوری» است.

در پاسخ، ترامپ نیز تهدید کرده است که تمامی یارانه‌ها و قراردادهای دولتی با شرکت‌های متعلق به ماسک را لغو خواهد کرد. این تهدید باعث شد سهام تسلا به‌شدت سقوط کند و اعتماد سرمایه‌گذاران به آینده همکاری این شرکت با دولت جدید، کاهش یابد.



مهدیامچال ایران در مسیر توسعه

از آلمان شهدا تا نهضت سبز

شهر چهارباغ استان البرز به واسطه کثرت گلخانه ها به عنوان مهد پامچال ایران شناخته می شود؛ این شهر از پنج قسمت مجزا با فاصله به نسبت طولانی از هم تشکیل شده که از این حیث نیز جزو مناطق استثنایی کشور دیده شده است.

در اواخر دهه ۸۰ شمسی بنا به تقسیمات جغرافیایی سه منطقه روستایی ملک آباد، صفرآباد و مهدی آباد و شهرک ابریشم به شهر چهارباغ استان البرز الحاق شد؛ مناطق جدید هریک بین ۲ تا چهار کیلومتر از هسته مرکزی شهر فاصله دارند و بین محدوده های شهری آن اراضی کشاورزی و باغ ها قرار دارد.

وجود گلخانه های پر تعداد پرورش انواع گل به خصوص گل پامچال، درختان میوه و مناطق سرسبز، نزدیکی به کرج و تهران، دسترسی آسان و سریع به تمام خدمات شهری، آب و هوای معتدل و رونق کشاورزی صادراتی موجب شتاب مناسب توسعه این شهرستان با تمرکز بر گردشگری کشاورزی شده است محوری که گل پامچال هسته اصلی آن را تشکیل می دهد.

وجود ۲۶۰ گلخانه در شهرستان چهارباغ موجب شده تا این منطقه به عنوان مهد گل پامچال ایران شناخته شود. چهارباغ با جمعیتی بیش از ۱۲۰ هزار نفر سال ۱۳۹۹ به عنوان هفتمین شهرستان استان البرز معرفی شد.

رئیس شورای اسلامی شهر چهارباغ روز پنجشنبه در گفت و گوی اختصاصی با ایرنا از توسعه گسترده شهری، پروژه های شاخص عمرانی و فضای سبز بی سابقه ای سخن گفت که در چند سال اخیر، چهره این شهرستان نوپا را دگرگون کرده است. چهارباغ که تا همین چند سال پیش منطقه ای در حال توسعه بود، اکنون به شهری تبدیل شده که با اجرای پروژه های متنوع عمرانی، فرهنگی و زیست محیطی توانسته گام های بلندی در مسیر توسعه بردارد.

شهرستان چهارباغ هم اکنون مبدا بخش مهمی از گل های آپارتمانی و به خصوص پامچال است که در مناطق مختلف کشور عرضه می شوند این گل که با شروع فصل بهار، چشم به جهان می گشاید به نوعی نماد شروع جدید، آفرینشی نو و قدم به مسیری تازه است.

فرهاد رستمی، از عملکرد مدیریت شهری در دوره ششم و دستاوردهایی سخن گفت که با همراهی مسئولان استانی و مشارکت شهروندان حاصل شده

است. احداث کلانتری تا پیاده راه سلامت از جمله پروژه هایی است که برای ارتقای کیفیت زندگی در این شهر اجرا شده است.

وی اشاره به پروژه های شاخصی که در طول یک سال گذشته به بهره برداری رسیده اند، افزود: در سال ۱۴۰۳ پنج پروژه مهم را افتتاح کردیم؛ از جمله احداث کلانتری در ناحیه ملک آباد که نقش مهمی در ارتقاء امنیت محلی داشت. همچنین پیاده راه سلامت در بلوار پیام را راه اندازی کردیم که هم کاربرد تفریحی دارد و هم نماد توجه به سلامت شهروندان است.

رستمی افزود: در حوزه فضای سبز نیز موفق به احداث بوستان هایی در شهرک ابریشم و ناحیه مهدی آباد شدیم؛ زمینی که در مهدی آباد سال ها بلاتکلیف مانده و حتی تهدید به ساخت مراکز تجاری در آن وجود داشت، امروز به یک فضای سبز شهری ارزشمند تبدیل شده است.

آلمان شهدای گمنام؛ افتخار چهارباغ

رئیس شورای اسلامی شهر چهارباغ شاخص ترین پروژه دوره ششم را ساخت آلمان شهدای گمنام عنوان کرد و اظهار کرد: همیشه گفتم این پروژه، مدال زرین این دوره از مدیریت شهری بر سینه ماست. احداث آلمان برای شهدای گمنام، ادای دینی بود به ارزش های انقلاب و مردم چهارباغ، که با استقبال بسیار گسترده ای نیز روبه رو شد.

پایان پروژه های نیمه تمام؛ میراثی ماندگار

رستمی با بیان اینکه پروژه های نیمه تمام متعددی به سرانجام رسیده اند، گفت: بلوار پیام سال ها نیمه کاره رها شده بود، که به همت مدیریت شهری تکمیل شد. بلوار شهید سلیمانی، یکی از ورودی های اصلی شهر نیز به پایان رسید.

همچنین پروژه فرهنگسرای مهدی آباد و کتابخانه الغدیر در بوستان الغدیر، که پیشرفت کمی داشتند، در این دوره کامل شدند.

نهضت سبز در چهارباغ

رئیس شورای شهر چهارباغ در ادامه با اشاره به اقدامات صورت گرفته در حوزه فضای سبز گفت: اگر از بالا به شهر نگاه کنیم، متوجه می شویم چهارباغ امروز سبزتر از همیشه است. در سه چهار سال اخیر به

رکورد زمانی مونتاژ توربین ۳۲۰ مگاواتی در کشور شکسته شد

مدیر عامل شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران مستقر در شهرستان فردیس استان البرز اعلام کرد: رکورد زمانی مونتاژ توربین های ۳۲۰ مگاواتی با تلاش متخصصان این شرکت در کشور شکسته شد.

«مسعود مرادی» افزود: یکی از مهمترین موفقیت های اخیر صنعت نیروگاهی کشور، عملیات مونتاژ توربین ۳۲۰ مگاواتی شماره ۲ نیروگاه حرارتی بیستون کرمانشاه در تنها ۱۳ روز ثبت رکورد شد. مدیرعامل شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران در ادامه توضیحاتی درباره جزئیات فنی این رکورد ارائه کرد و گفت: مونتاژ توربین بخار ۲ با ۲ سیلندر (IP-HIP) و وزن بیش از ۷۰ تن به طور معمول ۲۵ روز تا یک ماه زمان نیاز دارد.

از «البرز» چه خبر؟



اندازه ۱۵ سال گذشته درخت کاشته ایم و مهم تر اینکه حدود ۹۰ درصد این درختان به سیستم آبیاری قطره ای مجهز شده اند.

وی افزود: در کنار کاشت نهال، ما برای نگهداری هم برنامه ریزی جدی داشتیم. حتی درختان قدیمی شهر را نیز به شبکه آبیاری قطره ای متصل کردیم. در زمان حاضر تنها حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد آبیاری فضای سبز از آب غیرشرب انجام می شود و در تلاش هستیم همین میزان را نیز کاهش دهیم.

اصلاح الگوی مصرف آب؛ حذف چمن های پرمصرف و توسعه گیاهان مقاوم

رئیس شورای شهر در خصوص کاهش مصرف آب در فضای سبز گفت: ما هم مانند سایر شهرهای استان، در حال حذف چمن های پرمصرف هستیم و به جای آن از گیاهان مقاوم به کم آبی استفاده می کنیم. علاوه بر آن، در برخی نقاط فضای تفریحی را با کف سازی و سنگ فرش جایگزین کرده ایم تا هم هزینه نگهداری کمتر شود و هم مصرف آب کاهش یابد.

جذب سرمایه گذار برای توسعه شهری

رستمی به برنامه های سال ۱۴۰۴ نیز اشاره کرد و گفت: در راستای شعار سال مقام معظم رهبری مبنی بر حمایت از تولید، ما چند سرمایه گذار را برای احداث مراکز تجاری در شهرک ابریشم شناسایی و معرفی کرده ایم و در حال حاضر پروژه آن ها در سامانه قرار دارد. امیدواریم تا یک ماه آینده تعیین تکلیف شود.

روایتی از یک المپياداداری؛

ورزش سازمانی به مثابه خدمت عمومی

علیرضا ناظری

در روزگاری که کلیدواژه هایی چون «پرهوری»، «سرمایه انسانی» و «نشاط سازمانی» تنها در سرفصل های مدیریتی جا خوش کرده اند، سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج با میزبانی از نخستین نشست بررسی مدارک قهرمانان و نخبگان ورزشی کارکنان شهرداری ها و دهیاری های کشور، گامی ملموس در جهت پیوند میان توانمندی های ورزشی و ظرفیت های اداری برداشت. این نشست که به منظور آماده سازی سومین دوره المپياد ملی شهید باکری در سال ۱۴۰۴ برگزار شد، نقتنها زمینه ای برای شناسایی دقیق نخبگان ورزشی در بدنه ای اجرایی کشور فراهم کرد، بلکه نقشه راهی فرهنگی را نیز طراحی کرد تا ورزش از حاشیه به متن سیاست گذاری های منابع انسانی بازگردد.

از شناسایی تا راهبر: ورزش در مسیر ساختارمندی آن طور که از گزارش ها برمی آید، تمرکز اصلی نشست اخیر بر «بررسی تخصصی مدارک و مستندات قهرمانان ورزشی» کارکنان شهرداری ها و دهیاری ها بوده است؛ گامی که اگرچه در ظاهر ساده به نظر می رسد، اما در عمل حاوی پیامی راهبردی است: ورزش سازمانی قرار نیست تنها با برگزاری مسابقات نمادین و محدود به پایان برسد، بلکه نیازمند ساختاری منسجم، عادلانه و شفاف برای شناسایی، گزینش و حمایت از استعداد های ورزشی در بدنه های اداری کشور است.

تشکیل «ستاد استانی مسابقات» در ادامه این روند، می تواند به تمرکززدایی، بومی سازی و در نهایت، تحقق مشارکت همه جانبه نیروهای انسانی در مناطق مختلف کشور منجر شود.

نام گذاری این المپياد با عنوان «شهید باکری» نیز نکته ای درخور تأمل است. در روزگاری که پیوند میان سیاست، فرهنگ، و ورزش گاه به طرز مکانیکی و تزئینی برقرار می شود، انتخاب یک قهرمان ملی-تاریخی همچون شهید باکری می تواند معنابخش حضور بدنه اداری در عرصه ورزش باشد؛ حضوری نه صرفاً برای رقابت، بلکه برای بازسازی خاطره ای جمعی از فداکاری، پایداری و اخلاق.

در چنین بستری، اگر بتوان برای این المپياد «پیوست فرهنگی ملی و محلی» نیز تدوین کرد - همان گونه که در نشست کرج وعده داده شد - آن گاه شاهد تلاقی میان «کارکرد سازمانی» و «ارزش های فرهنگی» خواهیم بود؛ چیزی که سال ها ست از معماری مناسبات رسمی ادارات ما غایب بوده است.

در نگاه نخست، ممکن است برگزاری مسابقات ورزشی برای کارکنان شهرداری ها و دهیاری ها امری فرعی یا جنبی تصور شود. اما در تحلیل دقیق تر، ورزش به مثابه یک ابزار مدیریت منابع انسانی، می تواند نقشی بنیادین در ارتقای کیفیت خدمات شهری ایفا کند. کارمندی که با ذهنی خلاق، بدنی آماده و روحیه ای شاداب وارد محل کار می شود، بی تردید بهتر از پس چالش های اجرایی و تعامل با شهروندان برمی آید. همین جاست که ورزش دیگر یک «رویداد» نیست، بلکه بخشی از «سیاست اجتماعی» نهاد مدیریت شهری محسوب می شود.

از این منظر، سومین دوره المپياد شهید باکری اگر بتواند از برگزاری صرف فراتر رود و با ارزیابی، پژوهش و سرمایه گذاری بلندمدت همراه شود، می تواند به الگویی ملی برای ارتقای سلامت اداری و اجتماعی بدل شود.

کرج، در میانه میدان مدیریت مشارکتی

میزبانی این نشست توسط کرج، در شرایطی که کلان شهرها همواره با چالش های پیچیده شهری و تعدد مسائل مدیریتی مواجه اند، حامل پیامی صریح است: شهرداری ها می توانند همزمان هم بحران های شهری را مدیریت کنند و هم در جبهه های فرهنگی، ورزشی و اجتماعی کنشگر باشند. در شرایطی که بسیاری از دستگاه های اجرایی در کشور هنوز با مفهوم «پیوست فرهنگی» بیگانه اند، گام سازمان فرهنگی شهرداری کرج در جهت تدوین این پیوست برای المپياد، نشان دهنده بلوغ نگاهی فراتر از مناسبات روزمره اداری است؛ نگاهی که اگر نهادهی شود، ورزش را به عنوان سرمایه ای جمعی در نظر خواهد گرفت، نه صرفاً تفریحی مقطعی.



مسوول امور آب سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرج از تجهیز ۶۴۰ هکتار فضای سبز این کلانشهر به شبکه آبیاری نوین

کلی چهار هزار متر مکعب در شبانه روز به بهره برداری رسیده است.

وی، توسعه شبکه انتقال و توزیع آب خام فضای سبز به طول ۳۳۵ کیلومتر را از دیگر اقدامات برشمرد و گفت: انتقال آبیاری عرصه های فضای سبز به شب در ماه های گرم سال از مهمترین برنامه ها است.

مسوول امور آب سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهرداری کرج، تهیه و جانمایی ۲۰۰ مخزن ذخیره آب هریک با ظرفیت ۱۰ هزار لیتر در عرصه های فضای سبز مناطق دهگانه شهرداری کرج را به عنوان دیگر اقدامات نام برد.

با هدف مصرف بهینه آب خبر داد.

رضا صالحی روز جمعه با اشاره به پدیده تغییر اقلیم و خشکسالی در کشور و استان البرز افزود: بر همین اساس رویه آبیاری فضای سبز در کرج تغییر کرده است.

وی ادامه داد: یکی از مهمترین اقدامات تصفیه آب های پسابی و خام برای آبیاری فضاهای سبز کرج است که تاکنون چهار تصفیه خانه در این بخش احداث و راه اندازی شده است.

صالحی بیان کرد: این تصفیه خانه ها در راستای سازگاری با کم آبی احداث شده که با ظرفیت

سلامت

در حالت ناشتای صبحگاهی تاثیر بیشتری در کاهش وزن دارد؟

محسن شاهرخی

دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پاسخ به باور غلط «موثر بودن ورزش در حالت ناشتای صبحگاهی در کاهش وزن»، اعلام کرد: ورزش با معده خالی می تواند مشکلاتی از جمله احتمال افت قند خون، حالت تهوع، سرگیجه و سردرد را به دنبال داشته باشد.

دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت در پاسخ به اینکه آیا ورزش در حالت ناشتای صبحگاهی بهترین تاثیر را در کاهش وزن دارد؟ افزود: در مورد اینکه آیا ورزش با معده خالی می تواند به کاهش وزن کمک کند یا خیر، بحث هایی بین متخصصان وجود دارد.

برخی از متخصصان بر این باورند که ورزش با معده خالی که به عنوان کاردیو ناشتا نیز شناخته می شود، می تواند به سوزاندن چربی بیشتر کمک کند، زیرا بدن به جای غذایی که اخیراً خورده شده، از چربی و کربوهیدرات های ذخیره شده به عنوان سوخت استفاده می کند.

یک مطالعه در سال ۲۰۱۶ نشان داد که مردانی که قبل از ورزش صبحانه نمی خوردند، چربی بیشتری می سوزانند و کالری دریافتی خود را طی ۲۴ ساعت کاهش می دهند. با این حال، تحقیقات دیگر هیچ تفاوت قابل توجهی در تغییرات ترکیب بدن بین گروه هایی که قبل از تمرین غذا خورده یا روزه می گیرند، پیدا نکرده است.

ورزش با معده خالی می تواند مشکلاتی به دنبال داشته باشد از جمله اینکه احتمال افت قند خون و ایجاد عوارضی مانند حالت تهوع، سرگیجه و سردرد را در فرد افزایش می دهد، احتمال مصرف پروتئین به عنوان سوخت مصرفی در این حالت وجود دارد که می تواند منجر به تحلیل عضلانی در فرد شود و در نهایت توانایی افرادی که با معده خالی ورزش می کنند، برای انجام تمرینات با شدت بالا و مدت زمان طولانی نسبت به سایر افراد، کمتر است.

برای گسترش این یافته ها به تحقیقات عمیق تر در یک دوره زمانی طولانی تر نیاز است. در نهایت، انجام یا عدم ورزش با معده خالی یک انتخاب شخصی است و ممکن است به عوامل فردی مانند سطح انرژی و عملکرد فرد بستگی داشته باشد.



از منظر اقتصادی، ایجاد چنین پیوندهایی همان چیزی است که در اقتصاد منطقه ای به عنوان «اثر خوشه ای» شناخته می شود؛ یعنی تمرکز صنایع هم افزا در کنار زیرساخت های حمل و نقل که موجب رشد سریع تر، کاهش هزینه ها، و تسهیل در توسعه صادرات می شود. پیام در حال شکل دادن به این خوشه است.

«دنیای هوادار» بررسی می کند: البرز چگونه می تواند نقشه هوانوردی ایران را بازتعریف کند؟

پیام برخاست

مهرداد تیموری

در آسمانی که سال ها به پرواز نرفته بود، حالا دوباره صدای موتور هواپیماها شنیده می شود. فرودگاه پیام، یکی از مهم ترین ظرفیت های اقتصادی استان البرز، بار دیگر با آغاز پروازهای مسافری، جایگاه خود را در نقشه توسعه ای کشور بازیافته است. اما این بازگشت تنها باز شدن یک مسیر پروازی نیست؛ پیام دارد به نماد یک مدل حکمرانی جدید تبدیل می شود؛ حکمرانی ای که بر پیوند صنعت، ارتباطات و زیرساخت های ملی استوار است. در شهری که تا پیش از این، فرودگاه تنها در خاطراتش پرواز می کرد، حالا درهای آسمان به روی شهروندان باز شده. پرواز کرج - مشهد، اگرچه فعلاً فقط دوبار در هفته انجام می شود، اما نشانه ای است از بازگشت تدریجی اعتماد به پروازهای که سال ها زیر گرد فراموشی مانده بود. و اگر آن طور که مدیرعامل فرودگاه پیام می گوید، این آغاز فصل شکوفایی باشد، باید منتظر ماند و دید پیام می تواند نقش تازه اش را در توسعه پایدار کشور ایفا کند یا نه. فرودگاه پیام، وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، از ابتدا با هدف ایجاد یک پایگاه هوایی برای بار و پست هوایی بنیان گذاری شد. اما سال ها با تأخیر و بی برنامه گی، ظرفیت واقعی اش هرگز به کار گرفته نشد. تنها در چند مقطع کوتاه شاهد پروازهای مسافری بودیم که آن هم به دلایل مختلف، از جمله نبود توجیه اقتصادی یا چالش های زیرساختی، متوقف شد. با این حال، اکنون به نظر می رسد این روند در حال تغییر است. طبق اظهارات «محسن حسلو»، مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی و فرودگاه بین المللی پیام، پروژه توسعه پروازهای مسافری و باری این فرودگاه وارد فاز جدیدی شده است. راه اندازی دوباره پرواز کرج - مشهد، آغاز سیستم های ناوبری پس از ۲۱ سال، نوسازی تجهیزات فرودگاهی، و حتی طراحی مسیرهای هوایی بین المللی با کشورهای چون داغستان، همه نشانه هایی از همین تغییرند.

چرا فرودگاه پیام حالا مهم تر از همیشه است؟

نقشه هوانوردی کشور طی یک دهه اخیر به طرز چشمگیری متراکم و تهران محور شده است. دو فرودگاه بین المللی مهرآباد و امام خمینی تقریباً بار اصلی جایجایی هوایی کشور را به دوش می کشند، بطوری که بخش عمده ای از مسافران حتی از استان های همجوار نیز ناگزیرند برای دسترسی به خطوط پروازی داخلی و خارجی به پایتخت سفر کنند. این تمرکز بیش از اندازه نفع تنها منجر به فرسایش زیرساختی و فشار بر خدمات فرودگاهی در تهران شده، بلکه موجب کاهش کیفیت تجربه سفر، اتلاف وقت و هزینه برای مسافران سایر استان ها نیز شده است. در این میان، فرودگاه پیام در کرج، با موقعیتی جغرافیایی ممتاز و اتصال طبیعی به شاهراه های جاده ای و ریلی، می تواند به عنوان یک «قطب فرعی مکمل» وارد عمل شود؛ قطبی که نفع تنها نقشه هوایی کشور را متعادل تر می سازد، بلکه در توسعه اقتصادی منطقه ای و تسهیل گردشگری نیز نقش ایفا می کند. این اهمیت را می توان در سه محور کلیدی بررسی کرد:

- کاهش بار پروازی از فرودگاه های پایتخت و تسهیل دسترسی در البرز و غرب تهران
استان البرز با جمعیتی نزدیک به هفت میلیون نفر، عملاً تا همین اواخر فاقد دسترسی مستقیم و پایدار به خطوط هوایی بود. شهروندان این استان مجبور بودند برای پروازهای داخلی یا خارجی، به فرودگاه مهرآباد یا امام خمینی در تهران مراجعه کنند؛ مسافتی که با توجه به ترافیک شدید و ضعف زیرساخت های حمل و نقل عمومی، بعضاً چند ساعت زمان بر بود. اکنون با آغاز دوباره پروازهای منظم از فرودگاه پیام به مشهد و برنامه ریزی برای افزایش خطوط پروازی، این وضعیت به تدریج در حال تغییر است. فرودگاه پیام با موقعیت

مکانی مناسب در حاشیه آزادراه تهران-کرج، می تواند بار قابل توجهی از مسافران غرب استان تهران (اکباتان، وردآورد، شهرک های اطراف) را نیز جذب کند. همین امر موجب کاهش تقاضای مستقیم از مهرآباد و کاهش بار ترافیکی مسیرهای منتهی به فرودگاه های پایتخت خواهد شد.

در سطح کلان، این نوع تمرکززدایی هوشمند، نفع تنها در توسعه پایدار هوانوردی اهمیت دارد، بلکه می تواند بخشی از راحل مسئله دیرینه تهران زدگی و تمرکز امکانات در پایتخت نیز باشد.

- تقویت اقتصاد ناحیه ای با پیوند تولید، تجارت و حمل و نقل

منطقه ویژه اقتصادی پیام چیزی فراتر از یک فرودگاه صرف است؛ این مجموعه با بیش از ۴۰۰ شرکت فعال در حوزه های تولیدی، دانش بنیان، داروسازی، تجهیزات پزشکی و فناوری های پیشرفته، یکی از هاب های صنعتی کشور به شمار می رود، اما تا پیش از این، زیرساخت لجستیکی هوایی لازم برای تسهیل در صادرات محصولات، تبادل دانش، و جابه جایی سریع نیروی انسانی متخصص در این منطقه وجود نداشت. اکنون با احیای پروازهای مسافری و برنامه ریزی برای توسعه بار هوایی، این شکاف در حال ترمیم است. پروازهای باری و مسافری مکمل یکدیگرند: حمل کالا بدون حمل انسان های مرتبط با آن کالا، نیمه کاره است. این پیوند میان کالا، سرمایه انسانی و زیرساخت حمل و نقل هوایی، می تواند منطقه پیام را به قطب نوینی برای صادرات غیرنفتی بدل کند.

از منظر اقتصادی، ایجاد چنین پیوندهایی همان چیزی است که در اقتصاد منطقه ای به عنوان «اثر خوشه ای» شناخته می شود؛ یعنی تمرکز صنایع هم افزا در کنار زیرساخت های حمل و نقل که موجب رشد سریع تر، کاهش هزینه ها، و تسهیل در توسعه صادرات می شود. پیام در حال شکل دادن به این خوشه است.

- ایجاد زیرساخت لجستیکی برای گردشگری مذهبی، سلامت و حتی صادرات خدمات درمانی

در سال های اخیر، گردشگری سلامت به عنوان یکی از شاخه های نو ظهور اقتصاد خدماتی در ایران مطرح شده است. استان هایی مانند خراسان رضوی، فارس، یزد و تهران به دلیل برخورداری از مراکز درمانی پیشرفته و تخصصی، میزبان هزاران بیمار داخلی و خارجی بوده اند. اما تحقق این پتانسیل نیازمند زیرساخت پروازی قابل اتکا و مداوم است. در این میان، کرج نیز با وجود برخورداری از چند بیمارستان فوق تخصصی، هنوز به اندازه ظرفیت واقعی اش در این حوزه فعال نیست. با اتصال پروازی مستقیم بین کرج و مشهد و در آینده شاید شهرهایی چون شیراز یا اهواز-فرودگاه پیام می تواند نقشی حیاتی در توسعه «گردشگری سلامت» ایفا کند. بیماران می توانند بدون سفر زمینی طولانی به تهران، مستقیم به مراکز درمانی دسترسی یابند. این وضعیت به ویژه برای بیماران سالمند یا دارای مشکلات حرکتی، تفاوتی اساسی ایجاد خواهد کرد. افزون بر آن، مسیر کرج - مشهد نفع تنها برای گردشگری درمانی، بلکه برای گردشگری مذهبی نیز اهمیت دارد. میلیون ها نفر در سال به مشهد سفر می کنند و بخشی از آنان ساکن استان البرز یا غرب تهران هستند. پرواز مستقیم کرج - مشهد می تواند تجربه سفر این گروه را سریع تر، ایمن تر و دلپذیرتر کند.

در یک گام بلندتر، می توان از فرودگاه پیام به عنوان بستری برای «صادرات خدمات درمانی» هم یاد کرد. با جذب بیماران از کشورهای منطقه (افغانستان، عراق، کشورهای CIS)، بیمارستان های خصوصی کرج می توانند وارد مدار درآمدزایی ارزی شوند. مشروط به اینکه پیوند میان حمل و نقل، سلامت و تبلیغات بین المللی به درستی برقرار شود و نقطه آغاز این



پیوندها، چیزی نیست جز پرواز منظم، ایمن و پایدار.

نقشه راه دولت و مجلس

فرودگاه پیام این بار تنها با اراده یک نهاد خاص احیا نشده، بلکه نشانه ای است از هم افزایی نسبی دولت چهاردهم، وزارت ارتباطات، مدیریت منطقه ویژه و حتی نمایندگان مجلس. «علی حدادی»، نماینده مردم ساوجبلاغ و نظرآباد، در اظهاراتش پیام را نه فقط دروازه هوایی استان بلکه شتاب دهنده ای برای توسعه ملی می داند. او صراحتاً تأکید دارد که تاکسی هوایی، پروازهای بار، و جذب سرمایه گذار خارجی، از جمله برنامه هایی است که می تواند البرز را به بازیگر جدیدی در اقتصاد کشور تبدیل کند. هم زمان، توجه به مسائلی چون قانون صدور مجوز کسب و کار، حذف قوانین زائد، و تلاش برای تصویب برنامه هفتم توسعه، نشان از آن دارد که پروژه هایی مانند فرودگاه پیام در یک چارچوب کلان تر در حال تحلیل و پشتیبانی هستند.

یکی از نکات جذاب در برنامه توسعه ای پیام، ورود آن به حوزه پروازهای منطقه ای و بار هوایی است. مذاکرات برای پرواز مستقیم به داغستان و ایجاد نمایانگاه دائمی محصولات در این کشور، می تواند پیام را از فرودگاهی محلی به نقطه ای برای دیپلماسی اقتصادی و تجارت منطقه ای بدل کند. همچنین، ایده راه اندازی نخستین تاکسی هوایی کشور در پیام، اگرچه فعلاً بیشتر جنبه نمایشی دارد، اما می تواند الگویی برای تحول صنعت هوانوردی کشور باشد.

پیام، یک مدل آزمایشی برای توسعه ناحیه ای

فرودگاه پیام دیگر فقط باندی برای فرود یا پرواز نیست؛ بدل به آزمایشگاهی زنده شده برای آن چیزی که در ادبیات توسعه از آن به عنوان «نقطه هم گرایی بین بخشی» یاد می شود. در پیام، صنعت و حمل و نقل به هم می رسند، هوانوردی و اقتصاد ناحیه ای در هم تنیده می شوند، و حتی سیاست گذاری کلان و نیازهای محلی دست در دست هم می دهند. این فرودگاه می تواند الگویی باشد برای آن چه بسیاری مناطق دیگر ایران از آن بی بهره اند: اتصال پذیری واقعی میان ظرفیت های محلی و زیرساخت های ملی؛ اما این پتانسیل، تضمینی برای موفقیت نیست. تجربه تلخ تعلیق چندساله ای پروازها هنوز در حافظه عمومی تازه است. حفظ استمرار این مسیر نیازمند چیزی فراتر از افتتاح نمادین و گفتارهای تبلیغاتی است. موفقیت پیام، در گرو ساختن یک اکوسیستم پشتیبان است: نظام حمل و نقل مکمل، دسترسی آسان شهری، خدمات پروازی رقابتی، حمایت رسانه ای، و مهم تر از همه، اعتماد عمومی. اگر مسیر فعلی با صداقت مدیریتی، حمایت دولتی و مشارکت بخش خصوصی ادامه یابد، پیام می تواند از یک پروژه محلی به یک زیرساخت راهبردی ملی بدل شود؛ نه فقط برای البرز، که برای بازاندیشی در مدل توسعه منطقه ای در ایران.

فرودگاه پیام، در بهترین حالت، تمرینی است برای آنکه چگونه می توان نهادسازی کرد، ظرفیت ها را به هم متصل کرد، و از دل یک باند خاک خورده، چشم اندازی تازه برای توسعه بیرون کشید. و در بدترین حالت؟ تنها یک فرصت دیگر که اگر جدی گرفته نشود، مثل بسیاری از طرح های ملی، در بایگانی بوروکراسی دفن خواهد شد.



عملیات حفاری در چهارباغ پایین اصفهان متوقف شد

«سید روح الله سیدالعسگری» معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان- از توقف عملیات حفاری شرکت برق در خیابان چهارباغ پایین اصفهان که منجر به کشف بقایای انسانی و قطعات سفالی شده بود، خبر داد و گفت: این حفاری با عمق یک تا یک و نیم متر برای جایگزینی کابل‌های فرسوده با کابل‌های جدید انجام و در حین آن، بقایای اسکلت انسانی و قطعاتی از سفال به دست آمده که نشان دهنده اهمیت تاریخی این محدوده است. محدوده مذکور بخشی از یافت تاریخی اصفهان به شمار می‌رود که در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی در جریان توسعه شهری، خیابان کشی و مدفون شده است. بر اساس ضوابط، هرگونه عملیات عمرانی در یافت تاریخی اصفهان باید با حضور ناظر و کارشناسان باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی انجام تا از آسیب به لایه‌های تاریخی جلوگیری شود. این موضوع شامل اقدامات دستگاه‌هایی مانند شرکت برق، آب و فاضلاب، مخابرات و حتی خود شهرداری نیز می‌شود.

شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۲۸

دنیایکسوداد

فرهنگی

دست به نقد

جستارهایی در باب آرمان شهر از منظر تامس مور

نغمه‌هایی برای دنیاسازی

امیرعلی مالکی



شکل مخصوص خود، یعنی همان مدینه فاضله دلچسب برای زیستن، برای نخستین‌بار و به شکل نظامندی در کتاب «آرمان‌شهر» مور، مورد شرح و تفصیل قرار گرفت. این متفکر، شاید بسیار ساده با این مسئله برخورد کرد و در داستان خویش گاه حتی احمقانه به مسائل پرداخت، اما تأثیرش بر شرح‌هایی که خواندید بشدت زیاد است. اهمیت فرضیه مور آنجا به چشم می‌خورد که او آرمان را حقیقتی غیرقابل دسترس نمی‌خواند به‌عنوان «جایی که وجود ندارد»، نمی‌داند، بل آن را سرزمینی می‌خواند که هست، اما برای تفهیمش باید در مسیر اهداف خاصه‌ای که طلب می‌کند قدم برداشت. تا اینجا این تفاسیر را به کنار می‌گذاریم تا اندکی با داستان اصلی کتاب روبه‌رو شویم و بعد برویم ببینیم که مور چه تفاوتی با دیگر اندیشمندان در این زمینه بخصوص دارد.

آرمان‌شهر مور، جزیره‌ای آرمانی را به‌تصویر می‌کشد که در آن، هزاران نفر در صلح و آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، مردان و زنان همگی تحصیل کرده هستند و تمام امکانات موجود به همه افراد تعلق دارد. بله، داستان کتاب بسیار ساده است، برای همین ما به همین اندازه از بیان کلیت داستان اکتفا می‌کنیم، چرا که کار ما خلاصه‌نویسی نیست. برویم به سمت پایه‌های مورد بحث در باب اثر. تئوری اصلی که مور در اثر خویش دارد، اشاره به این اصل است که ما ناکجا آبادی به‌عنوان آرمان‌شهر نداریم. OV در زبان یونانی به معنای نفی، یا همان نیست است و واژه *utopia* را تشکیل می‌دهند، از که در کنار یکدیگر یوتوپیا (*utopia*) را تشکیل می‌دهند، از نگاه لغوی به یک مکان غیرحقیقی اشاره دارند، در صورتی که مور تلاش می‌کند تا برای ما از یک ساختار مشخص و یک مفهوم واضح سخن بگوید. شاید مکان داستان یک جزیره در وسط ناکجاآباد باشد، اما نباید گول همین صرف را خورده، هدف مور نمایان کردن اصول حقیقی ساختار آرمان، به‌عنوان برداشتی تاریخی است که در کنش اجتماعی یک ملت، می‌تواند خود را نمایان کند. در بخش اول، اشاره شد که آرمان یک نقطه تاریخی است که نیازها را به یک وحدت مجازی می‌رساند، چنین است که می‌توان گفت شاید کالبرت تانستانل یکی از شخصیت‌های کتاب آرمان‌شهر داستان مور، یک برداشت از بخشی از جامعه آن‌روزه بریتانیا باشد، که مور را واداشت برای تفهیم شرایط، چنین دست به تفسیر زمانه خود در قالب یک داستان آرمانی بزند. چنین است که می‌توان نتیجه گرفت، آرمان‌شهر مور، نه مکانی خیالی، بل ساختاری تاریخی است که درحال تحلیل‌شدن است، تا شاید مسیر اصلی رسیدن به آن، نمایان شود. به‌عبارتی دیگر، ما از بودها، بایدها را پدید می‌آوریم و اگر تاریخ یک ملت «بوده» آنها باشد، آرمانشان «بایستی» است که از طریق تحلیل بودها در نیاز زمانه، شکل می‌گیرد. پس بیایید این تفسیر خیالی و عبث از آرمان را به‌عنوان «چیزی که نیست» فراموش کنید و آرمان را مور وار، بخشی از تاریخ بدانید که باید، نمایان شود، اما در زمان خاص خود. نمی‌دانم بین این دوشخص، یعنی آشوری و نادری، به‌عنوان مترجمان کتاب مور (نشر خوارزمی) چه کسی در پیشگفتار این اثر گفته است که مور تلاشی برای صورت‌بخشیدن اصلی به یک جامعه خیالی داشته، اما هرکه گفته، سخت بیپهوه می‌گوید. مور در بازی زبانی پیروز است و همه را بازیچه کرده، شاید اسم جزیره یوتوپیا، یا همان «هیچ‌جا» و رود آن، آتید را «بی‌آب» و شهرش آماتوروت، یعنی «خیالی» و نام روایتگر داستان رافائل هیتلودی که معنایش «یاوسرا» است، باشد، اما نباید فراموش کنید که نام نویسنده تامس مور است که صداعظم و مشاور امین هنری هشتم بوده است. مور در

کتاب اول و دوم، تماماً به‌دنبال تحلیل ساختار زمانه خودش است، او در همین زمینه اشاره می‌کند که: «شیوه زندگی آن نعتنها خوش‌ترین بنیاد را برای جامعه متمن می‌گذارد، بلکه جامعه‌ای است که تا بشر برقرار است، پایدار خواهد ماند». نکند انتظار دارید منظور مور، کشوری در آسمان باشد؟ یا یک جزیره خیالی؟ نه، مور به‌دنبال آن است که جامعه بریتانیا را، به‌معنای یک وجود تاریخی حقیقی، از طریق زبان شهر آماتوروت، بیان کند تا نشان دهد، آرمان به‌مثابه یک حقیقت تاریخی است که همواره به‌عنوان اصلی بنیادی در ساختار بشر خواهد ماند. اینجاست که نباید این بازی زبانی را، تنها در ظاهر متن دید، بل بایست توجه کرد که ساختار اصیل مدنظر مور، به ریشه جامعه بریتانیا بازمی‌گردد، چرا که حتی اگر تخیل هم کرده باشد، زاده حقیقت زمانه خودش بوده است! تخیل در آغوش حقیقت زاده می‌شود! دوستان، مور اگر مسائل زندگی زناشویی در این داستان را خارج از وادی فساد می‌داند، دلیلی ندارد جز بدبینی‌هایی که هنری هشتم عزیزش در مسائل خانوادگی خود داشت، همان داستان دل‌پستن به آن بولین زیبایی که بدکاره از آب در آمد. بازرسان اندیشه مور، اگر دیدید که این آدم، در آرمان‌شهر خود مصداق عقل را نمایندند دین کرده و از مذهب کاتولیک خود در زبان اثرش در لفافه دفاع می‌کند، به سر بریده‌اش بنگرید که در سال ۱۵۳۵ به‌علت مخالفت با معشوقش، هنری هشتم برای روی برگردانی از کلیسای کاتولیک، از تنش جدا شد. نگاه مور به ساختار جامعه بریتانیایی و تلاش‌های او برای تحلیل‌های سیاسی در جهت بهتر ساختنش باعث شد که آرمان‌شهر نوشته شود. چنین است که می‌بینم آرمان‌شهر مور، راهی شد برای تفسیر حقیقت‌های موردنظر متفکران در جهانی که اجتماع آنان خواستار آن بود. متفکرانی چون کارل کائوتسکی، دغدغه‌های خویش را از طریق داده‌هایی که وجود داشت با مثال تاریخی مور، محک زدند و چنین شد که کائوتسکی آلمانی این مرد انگلیسی را پدر انقلاب روسیه خواند، چرا که دغدغه کمونیسم، آتطور که باید در ساختار اندیشه مور برای این متفکران چپ، تفسیر شد و باعث گشت داده‌هایی که از این اندیشمند به آینده رسیده، مثال‌های خوبی برای تحلیل اجتماعشان باشد. مور، یک بازیگر قدرتمند در عرصه ذهن و اندیشه بود، که از داشته‌های خود، بایست‌ها را تحلیل کرد و در جهت تفهیم مفهوم زمانه خویش، واژگانی را تحویل داد، که بعدها نیز مورد استفاده قرار گرفت، چرا که آرمان، نقطه جوش نیاز بشری است و آدمی در ریشه نیاز همواره یکسان با دیگری می‌اندیشد.

آگاهی در زمانی که نیاز احساس می‌شود، به نقطه جوش رسیده و خود را بیان می‌کند. با تعاریف ارائه شده، آرمان یک رویا نیست، بل حقیقتی است ناپیوسته در متن اجتماع. اما این ناپیوستگی به چه معناست؟ آرمان به‌عنوان درکی مطلق، کوششی همواره یگانه و یکسان نیست، بل بنا بر نیاز است که خود را بیان می‌کند، یعنی ممکن است در شرایطی خاص رو به سردی برود! پدید آمدن پادآرمان‌شهر به‌عنوان درکی خیالی! اما دوباره در همان نقطه جوش، بیان شده و باعث کنش‌های مورد نیاز شود. به‌عبارتی، معمولاً آرمان، به‌عنوان نقطه اوج نیاز شناخته می‌شود، یعنی زمانی که ساختار اجتماع بصورت معلق در ورطه نیازهایش به یکباره در یک‌سری از نشانه‌های مشخص به وحدت می‌رسد. در اینجاست که ما می‌توانیم به‌تصویری یگانه؛ البته در یک نقطه مشخص، از آرمان برسیم و تلاش کنیم تا درک واحد خویش را از یک آرمان‌شهر مشخص به‌تصویر بکشیم. «وحدت نیاز» تلقینی است که آرمان آن را بیان می‌کند و باعث می‌شود تا مردم به آن ایمان بیاورند، زیرا در اصل این یک درک غریبال شده، یا راحت‌الحلقوم نیاز است که وحدت را شکل می‌دهد، تا حرکتی صورت گیرد، در صورتی که اساساً از بطن ماجرا، وحدت، به‌عنوان نیازی یکسان، وجود ندارد، چرا که ممکن است هر بخش از اجتماع خواهان مثالی دگر برای تغییر باشد. به‌عبارتی این وحدت مجازی، خود را از ساختار تاریخی یک ملت بیرون میکشد و تلاش می‌کند تا با تحلیل سانسوروار تاریخ برای یک ملت مشخص، معنای نیازهای زمانه را غریبال کرده و به یک ماهیت مشخص برای قطعیت در مسیر حرکت برسد، یعنی مردم را وامی‌دارد تا فقط با برداشت یک بخش از تاریخ خود به‌عنوان هویت اصلی خویش، در یک زمانه مشخص، شهود آگاهی خویش را در بطن روزمرگی، تحلیل کرده و به حرکت در بیایند. همین است که می‌گوییم، آرمان یک تلقین است و آرمان‌شهر، نه شهری آیندمرگ، بل سرزمینی تاریخی است که همواره همراه یک ملت خواهد بود و در بطن نیاز خویش است که هربار به شیوه‌ای نسبتاً متفاوت خود را بیان می‌کند. در اینجا معنای آیینۀ زمانمند روح یک قوم مشخص شده است، روحی تاریخی، که در آیینۀ وجود خود، هربار تنها به کوچک بخشی از وجود خویش توجه می‌کند. بدین ترتیب، این‌همانی امر جزئی (که شهود وحدت مجازی را در خود جای داده) و امر کلی، به‌مثابه برداشتی زمانمند از تاریخ (که غریبال شده‌ای از هویت یک ملت را در یک زمانه خاص بنا بر نیاز بیان می‌کند)، به‌منزله نوعی نسبت اجتماعی-تاریخی، در یک زمانه خاص، برای بیان نیاز و حرکت به‌سوی یک هدف مشخص که دغدغه زمانه است، در ساختار آرمان، به‌عنوان زبان قطعیت اجتماع در یک دوره مشخص، متعین می‌شوند، چنین است که آرمان مطلقاً ضروری، در یک زمانه بخصوص، نظامی است از عرف، که در تلقین نیازهای متباین، به وحدت رسیده است و حقیقت زمانه خویش را، به یک صورت مشخص بیان می‌دارد؟.

شاید بتوان، مرد تمام فصول القبی که اراسموس به تامس مور داد و فرد زینمن قلمی به همین نام ساخت! را، نزدیک‌ترین اندیشمند به ساختار نظری خویش خواند، البته بشرطی که اجازه‌ای باشد تا اثر او را باری دگر، با نگاهی معاصر، مورد بررسی قرار دهیم! برای همین است که می‌گوییم نزدیک است! مور نخستین کسی بود که از واژه آرمان‌شهر (یوتوپیا) در سال ۱۵۱۶ استفاده کرد، هرچند بودند واژگان نزدیکی که در اندیشه افلاطون و ارسطو خوندنمایی می‌کردند، اما به آن

برای شناختن ایده «آرمان» مطلق، شهود آگاهی! باید کاملاً متناسب با شرایط پراکسیس، یا برخورد ابژه اجتماع، با سوژه صرف تاریخ باشد، زیرا ایده آرمان چیزی جز این‌همانی این دو نخواهد بود. اما برای حرکت معنا، شناخت از این‌همانی بایست به‌منزله نوعی متناسب‌بودن، مفهوم شود. شاید شهود آگاهی و پراکسیس در برخورد اول جدا از یکدیگر شناخته شوند، اما در اصل چیزی نیستند جز دو صورت که یکی به شکل کلیت ماجرا و دیگری در جامۀ جزئیات، نمایان می‌شود. اما این به چه معناست؟ در اینجا کل [پراکسیس] جای جز [شهود آگاهی] را نمی‌تواند بگیرد، بل در فرانهی معناسنت که جزء در ساختار اجتماع با کل برخورد کرده و می‌تواند در «نقطه جوش» ساختار، آرمان را به‌عنوان زبانی درحال رشد در اجتماع نمایان کند. به‌عبارتی شهود آگاهی، درکی برآمده از ساختار پراکسیس، در اجتماع به تفهیم ارزش‌های زمانمند می‌پردازد و باعث می‌شود تا اشخاص، بتوانند براساس آنچه در آگاهی دارند به حرکت در اجتماع خویش بپردازند، اما این برداشت نیازمند پایه‌ای است قدرتمند که شهود آگاهی را به مرحله ظهور برساند، و آن چیزی نیست جز «پراکسیس» که تاریخ را بصورت ناپیوسته و غریبال شده در دسترس جامعه قرار می‌دهد. ریشه پراکسیس برای پرداخت به جواهر وجود یک ملت پدید می‌آید، درکی که باعث می‌شود آدمی در مسیر تلقین وجود خویش به یک درک قاطع از زمان خود برسد و بتواند نیاز شرایط را دریابد و در جهت آن قدم بردارد، چنین می‌شود که «آرمان» در نقطه جوش ساختار پراکسیس پدید می‌آید و شهود آگاهی را به حرکت وامی‌دارد. پس می‌توان آرمان را یک «تلقین زمانمند» خواند که در آگاهی بشری پدید آمده و باعث می‌شود تا آدمی بتواند در زمانه خویش، بنا بر هدفی حرکت کند، اما نباید فراموش کرد که آرمان مانند یک پل عمل کرده و حال را به آینده متصل می‌کند. به‌زبانی دیگر، شاید آرمان زبان شرایط باشد، اما بعضی از واژگان وجودین خویش را همچنان برای آیندگان حفظ می‌کند و در اینجاست که در اوج سردی آرمان، پس از شکست، باری دگر مردم با امید پیاده‌کردن همان اهداف، چون آزادی و عدالت، واژگان باقی‌مانده از آرمان را در زمانه خویش صرف کرده و به حرکت در می‌آیند. چنین است که پادآرمان‌شهر، همان آرمان‌شهر است، تنها، در سایه فرورفته و آماده برای حمله دوباره. به‌عبارتی دیگر، آرمان یک بازی زبانی است با اجتماع، چرا که واژگان خویش را همواره در امر پراکسیس حفظ کرده و بنا بر آنچه شهود آگاهی زمانش است، خود را نمایان می‌کند، همین است که من به پادآرمان‌شهر اعتقادی ندارم، بل آن آرمان‌شهری خاموش می‌دانم که با مدیدن نور صبح‌گاهی! روزهای روشن، دوباره از جا بر می‌خیزد و در انتها دوباره به‌سمت خاموشی می‌رود.

آرمان، آیینۀ زمانمند روح یک قوم است. وحدتی که ذیل مفهوم، از طریق شهود آگاهی، یا همان درک مردم از احوال زمانه خویش، با توشه‌ای از برداشت‌های تاریخی، خود را بیان می‌کند. آرمان نماینده وحدتی است که در مفهوم مطلق در زمانه حاضر است و بر فراز شخص، حضور دارد و او را به رافرتن و قدم‌زدن در جاده اجتماع خود، وامی‌دارد. این تلقین زمانمند را می‌تواند مطلقاً به‌مثابه تاریخ دانست، درکی که در شرایطی بخصوص، یعنی در پرداخت شهود

مشترکان چگونه خسارت ناشی از برق را دریافت کنند؟

سحر بابایی



گرفته خواهد شد.

به گفته او، خساراتی قابل پرداخت هستند که منشأ آن‌ها در تأسیسات عرضه برق (در شبکه یا انشعاب) باشد و این خسارات منجر به آتش‌سوزی، انفجار یا آسیب فیزیکی به ملک یا افراد شده باشد. مواردی که ناشی از سوءاستفاده، نقص تجهیزات داخلی، یا نوسانات جزئی بدون منشأ مشخص باشند، تحت پوشش قرار نمی‌گیرند.

هستند. این پرداخت‌ها مستقیماً از محل حساب خزانهداری انجام می‌شود و هیچ‌گونه گردش مالی در شرکت توانیر یا شرکت‌های برق منطقه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

فرآیند ثبت خسارت چگونه است؟

یاقوتی با تشریح مراحل اقدام مشترکان پس از بروز حادثه گفت: اگر حادثه‌ای مانند آتش‌سوزی، برق‌گرفتگی یا انفجار در ملک مشترک رخ دهد و منشأ آن برق باشد، نخستین گام جمع‌آوری مدارک و مستندات شامل گزارش رسمی آتش‌نشانی، تصاویر حادثه و سایر شواهد است. این مدارک باید از طریق سامانه bime.tavanir.org.ir بارگذاری شود.

جزئیات قرارداد جدید بیمه

مدیرکل امور مشترکان توانیر درباره قرارداد بیمه سال جاری نیز گفت: مراحل مناقصه برای تعیین شرکت بیمه‌گر جدید در حال اتمام است. به احتمال زیاد در سال جاری نیز شرکت بیمه دانا مجدداً انتخاب خواهد شد. پس از نهایی شدن قرارداد، رسیدگی به پرونده‌های جدید در همان سامانه از سر

برای هر مشترک خانگی ۳۰۰ تومان در ماه و برای مشترکین تجاری ۳۰۰۰ تومان تعیین شده است. این مبلغ به‌صورت ماهانه در قبوض برق درج می‌شود و به‌طور کامل در حساب خزانهداری کل کشور ذخیره شده و از طریق فرآیند مناقصه به شرکت بیمه‌گر منتخب اختصاص می‌یابد.

یاقوتی گفت: در سال گذشته، شرکت بیمه دانا برنده مناقصه شد و قراردادی به ارزش ۳۱۰ میلیارد تومان منعقد شد. بر اساس این قرارداد، تاکنون نزدیک به ۷۰۰۰ پرونده خسارت به ثبت رسیده که از این تعداد، حدود ۵۰۰ پرونده همچنان در فرآیند رسیدگی هستند و ۳۱۲ پرونده نیز به دلیل نقص مدارک، نیازمند تکمیل مستندات توسط مشترکان است. سایر پرونده‌ها رسیدگی و بخش عمده‌ای از آن‌ها پرداخت شده‌اند.

به گفته مدیرکل امور مشترکان توانیر، تا پایان اردیبهشت ۱۴۰۳، مبلغی نزدیک به ۲۷۰ میلیارد تومان به حساب زیان‌دیدگان واریز شده یا آماده پرداخت بوده است که برخی از آن‌ها در انتظار نهایی شدن شماره شبا و مدارک بانکی

مدیرکل امور انرژی و مشتریان شرکت توانیر با تشریح روند پرداخت خسارت به مشترکانی که دچار آسیب یا خسارت ناشی از برق شده‌اند، اعلام کرد: حق بیمه‌ای که ماهانه از مشترکان دریافت می‌شود، پشتوانه‌ای برای جبران این خسارتهاست و مشترکان می‌توانند با مراجعه به سامانه و ارائه مدارک لازم، خسارت خود را پیگیری کنند.

عبدالمیر یاقوتی با اشاره به مبنای قانونی دریافت مبالغی تحت عنوان «حق بیمه خسارت مشترکان» گفت: مطابق ماده ۱۲ قانون الحاق ۲، شرکت‌های خدمات‌رسان برق و گاز موظف هستند برای جبران خسارات ناشی از حوادثی مانند برق‌گرفتگی، آتش‌سوزی یا انفجار که ناشی از آسیب به شبکه یا تأسیسات برقی هستند، از طریق قرارداد با شرکت‌های بیمه‌گر، این خسارات را جبران کنند.

او ادامه داد: برای این منظور، مبلغی به‌عنوان حق بیمه در قبوض برق مشترکان درج می‌شود. در سال ۱۴۰۳، این مبلغ

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی - نوبت اول

اداره کل راه و شهرسازی استان البرز در نظر دارد مناقصه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا با توجه به اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت خواهد پذیرفت، لازم است کلیه مناقصه‌گران واجد صلاحیت در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ می‌باشد.

ردیف	شرح پروژه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد (ریال)	رتبه مورد نیاز
۱	تکمیل قسمتی از قطعه ۳ محور اشتهارد - نجم‌آباد - نظرآباد حد فاصل صالحیه تا جاده قدیم کرج قزوین به همراه رمپ‌های اتصالی شمالی از کیلومتر ۷+۰۰۰ الی ۱۳+۱۰۰	۲۰۰۴۰۰۳۵۵۹۰۰۰۰۹	۷۴۸۶۹۰۰۰۰۰۰۰	۴ و بالاتر راه و ترابری

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۷ لغایت ساعت ۱۴:۳۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۲ / مهلت زمانی ارائه پیشنهاد قیمت: تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ / زمان بازگشایی پاکت‌های ارزیابی کیفی: ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ / اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها ((الف)): آدرس: کرج-رجایی‌شهر (گوهردشت)- بلوار جمهوری اسلامی (رستخیز)-خ سوم غربی- اداره کل راه و شهرسازی استان البرز - کد پستی: ۳۱۴۸۷۱۵۶۳۴ / تلفن: ۰۲۶۳۵۸۳۰۰۰۰ / اطلاعات تماس سامانه ستاد: ۱۴۵۶ / شناسه ۱۹۴۳۱۹۳ / تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۸ خرداد ماه ۱۴۰۴

اداره کل راه و شهرسازی استان البرز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - کرج (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۲۷۱۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج-ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهزاد ناگهی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۹۷۵ صادره از کرج در یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۱۰۰ مترمربع از پلاک ۴۷۱ فرعی از ۶ اصلی واقع در کرج شهر ماهدشت خیابان جم کوچه طراوات قطعه ۲ سمت چپ خریداری از مالک رسمی آقای عبدالحسین دهقانی تفتی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۱۵۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو کرج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۳۱۷۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی یادگاری فرزند محمد امین به شماره شناسنامه ۳۹۹۶ صادره در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۸۴ اصلی مساحت ۴۶۳۳/۳۰ مترمربع از سهمی ذولفعلی نیک دهقان برابر سند شماره ۴۶۳۸۱ دفتر ۱۷ تهران و محمد علی کشت پور برابر سند ۵۱۴۵۹ مورخ ۱۲ مهرماه ۴۹ دفتر ۱۷ تهران محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۳۷۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۳۱۷۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهرداد اخوان فرزند احمد بشماره شناسنامه ۱۱۵۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین کوره- آجرپزی - به مساحت ۶۰۱۷۵/۸ مترمربع شصت هزار و یکصد و شصت و پنج مترو هجده- پلاک ثبتی ۱۴۹ فرعی از ۱۷۹ اصلی واقع در قوهه جزء حوزه ثبتی ساوجبلاغ از مالکیت احمد مرادی ذیل دفتر ۲۵ صفحه ۸۶ و محمود مرادی ذیل دفتر ۲۵ صفحه ۹۰ و مژگان مرادی ذیل دفتر ۲۵ صفحه ۹۴ و مریم مرادی ذیل دفتر ۲۵ صفحه ۹۸ محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۳۶۵۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی - ساوجبلاغ (نوبت اول)

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۶۰۳۳۱۰۱۲۰۰۳۱۷۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ساوجبلاغ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم راما امیری نیا فرزند محمدعلی به شماره شناسنامه ۳۰۶ صادره در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۸۴ اصلی به مساحت ۴۶۳۳/۳۰ مترمربع از سهمی ذولفعلی نیک دهقان برابر سند شماره ۴۶۳۸۱ دفتر ۱۷ تهران و محمد علی کشت پور برابر سند ۵۱۴۵۹ مورخ ۱۲ مهر ۴۹ دفتر ۱۷ تهران محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه های کثیرالانتشار و محلی همزمان در یک تاریخ چاپ و آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از رسید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۴۳۷۵۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱ تیرماه ۱۴۰۴

اداره ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ



سرمربی جدید تیم فوتبال اینتر ایتالیا که مهدی طارمی نیز در این تیم حضور دارد، مشخص شد. سیمونه ایزاگی بعد از شکست در فینال لیگ قهرمانان اروپا از هدایت تیم اینتر استعفا داد و در نهایت با الهلال عربستان به توافق رسید. پس از این جدایی، مذاکرات باشگاه اینتر با چند گزینه آغاز شد که حالا جانلوکا دی مارتزیو و فابریزیو رومانو خبرنگاران مطرح ایتالیایی مدعی شدند که باشگاه اینتر با کریستین چیوو بر سر قراردادی تا ژوئن ۲۰۲۷ به توافق نهایی رسیده است. کریستین چیوو ۴۴ ساله صبح امروز با حضور در دفتر باشگاه اینتر در جلسه‌ای رسمی با مدیران حاضر شد تا مراحل پایانی امضای قرارداد را پشت سر بگذارد. باشگاه اینتر در حالی این مربی رومانیایی را به عنوان سرمربی جدید خود انتخاب کرد که پیش از این تلاشی نافرجام برای استخدام سسک فابرگاس داشت.

این نیمکت‌های داغ

حسن صانعی‌پور

اگر بخواهیم تعریفی جامع از مربی و مربیگری ارائه بدهیم، ابتدا باید بگوییم: «مربیگری، شکوفاسازی و تحقق توان‌های درونی و بیرونی مجموعه تحت امر است». مقوله‌ای که در فوتبال حرفه‌ای دنیا توجه ویژه‌ای به آن شده و براساس این تعریف زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی‌های مفصل و کلانی پیش‌بینی و اجرا شده است. متأسفانه باید اعتراف کرد در فوتبال ایران موضوع مربیگری و مسائل مربوط به آن آنطور که لازمه پرداختن به آن است، جدی گرفته نشده و به همین دلیل همواره مشاهده می‌شود تعدادی از مربیان جوان و مستعد ایران زودتر از آنچه تصور می‌گردد از گردونه مربیگری و موفقیت در این عرصه خارج شده و گاهی درگیر حواشی مخرب می‌شوند.

اسکوچیچ و شرایط ایده‌آل

نام اسکوچیچ ذهن دوستداران فوتبال ایران را معطوف به اخراج وی از تیم ملی می‌کند. مربی خوش شانس که در یکی از بهترین مقاطع فوتبال ایران، سرمربی تیم ملی شد و نتایج مناسبی نیز کسب کرد. فوتبال ایران شاید با او در جام جهانی به رویای دیرینه خود نمی‌رسید، اما می‌توانستیم امیدوار باشیم ثبات بیشتری در آخرین حضور خود در جام جهانی داشته باشد. با این حال اسکو بعد از بازگشت به ایران در تیمی مشغول بکار شد که به لحاظ داشتن آیت‌م‌های حرفه‌ای از دیگر باشگاه‌های مطرح ایران در وضعیت بهتری بوده و با وجود چند ستاره نامدار فوتبال ایران شرایط برای موفقیت وی هموار بود. اما نکته ظریف درخصوص درآگان اسکوچیچ اینکه فارغ از قهرمانی تراکتور با حضور وی و فارغ از اخراج غیرمنصفانه او از تیم ملی، نباید عملکرد او را در فصل گذشته کامل و درخشان تلقی کنیم؛ تراکتور در آسیا حذف شد و در طول لیگ نیز با نوسانات ریز و درشتی همراه بود. پرواضح است که شرایط ناپایدار تیم‌هایی چون سپاهان، پرسپولیس و حتی استقلال بی‌تأثیر در قهرمانی تراکتور نبود.

گل‌محمدی بهترین مربی

مسیر پیشرفت یحیی گل‌محمدی به گونه بود که او را تبدیل به بهترین مربی بومی فوتبال ایران کرده است. در واقع یحیی گل‌محمدی با گذشتن از سه مقطع زمانی متفاوت، در شرایطی به فولاد خوزستان رسید که با تمامی زیر و بم مربیگری و همچنین فوتبال ایران آشنایی پیدا کرده و موفق شد از تیم بحران زده فولاد، تیمی مدعی و خطرناک بسازد. گل‌محمدی اگر در مقطعی دچار چالش ناخواسته با مدیریت نمی‌شد چه بسا قادر بود سهمیه آسیایی فولاد را بدست بیاورد.

نکونام عجول

لقب عجول‌ترین مربی ایران را باید به جواد نکونام داد. او که در ابتدای مربیگری جهش فوق‌العاده‌ای داشت، در فولاد خوزستان و استقلال تهران دچار اشتباهات جبران ناپذیری شد. نکونام تابستان ۱۴۰۳ را صرف مقابله با منتقدان خود کرد تا در نهایت موفق نشود بازیکنان مد نظر خود را جذب کرده و در همان شش هفته ابتدایی از گردونه لیگ خارج شود. نکونام برای ادامه کار خود در فوتبال ایران باید نگاه خود را به این مقوله تصحیح نماید.

تاتار در مسیر درست

مهدی تاتار نماینده مربیان خوش‌فکر و بازیکن سازی است که البته باید در تیم‌های کمتر مدعی مربیگری کنند. توانایی

ذاتی او متناسب با شرایط قهرمانی نیست و به تعبیری در این شرایط قادر نمی‌باشد داشته‌ها و دانش خود را منتقل کند. او تجربه مربیگری در بیش از سیزده تیم را دارد و در فصل بیست و چهارم سکاندار گل‌گهر سیرجان بود. کسب رتبه پنجم جدول رده‌بندی که با عنوان بهترین خط دفاع لیگ همراه بود، هنر مردی را به رخ کشید که با فلسفه فوتبال آشنایی دارد و کار با جوانان گمنام را نیز به خوبی آموخته است. مسیر درست تاتار باید الگوی مربیان جوان ایران قرار بگیرد.

آینده روشن مازیار

مازیار زارع برخلاف چهره آرام خود، درون مهارنشده‌ای و پرتلاطمی دارد. او که در دوران بازی از بهترین‌های فوتبال ایران محسوب می‌شد، با تشکیل کادرفنی و پشتیبانی قوی، اندک اندک ملوان را به دوران طلایی خود نزدیک کرده است. مازیار البته باید بیاموزد که فوتبال در ایران شرایط خاص خود را داشته و نباید اسیر حواشی همیشگی این فوتبال شود. حضور در فینال جام حذفی که با حذف بزرگان ایران همراه بود، نشان از تحولات بنیادین ملوان بندرانزلی با مازیار زارع دارد و اگر این مربی در ادامه کار هوشیارتر عمل نماید، آینده درخشانی در انتظار اوست.

رحمتی؛ شاید آینده

سیدمهدی رحمتی بعد از خداحافظی از فوتبال به عنوان مربی در آلومینیوم چهره شد اما به ثبات لازم نرسید. رحمتی در فصل بیست و چهارم ابتدا سکاندار هوادار بود و بعد به شمس آذر قزوین پیوست تا همچنان در نموداری افقی و با کمترین پیشرفت به کار خود ادامه بدهد. آنچه درخصوص رحمتی قبل ذکر است اینکه این مربی جوان نباید اشتباهات دوران بازی خود را در عرصه مربیگری تکرار کرده و پیشرفت خود را در گروی ثبات ببیند.

الهامی و بحران

ساکت الهامی نیز تیم‌های زیادی را در جامه مربیگری تجربه کرده است، اما مسیر این مربی مقرون به پیشرفت نبوده و بیشتر با حواشی همراه بوده است. او پس از شکست در برابر فولاد در هفته هفدهم لیگ برتر ۱۴۰۳-۱۴۰۴ به دلیل رفتار جنجالی در کمیته انضباطی به پنج ماه محرومیت محکوم شد که این امر موجب استعفای وی از سکان هدایت نساجی گردید.

ربیعی مثل همیشه

محمد ربیعی همچون تاتار از آن دسته مربیانی است که صرفاً باید در تیم‌های میانه جدول مربیگری کند. با این حال کارنامه او در تیم‌هایی چون آلومینیوم اراک و مس رفسنجان قابل قبول بوده و در فصل بیست و چهارم نیز شرایط متفاوتی را در ذوب آهن تجربه نمود. کسب رتبه ششم ذوب آهن هرچند خوشایند هواداران این تیم نبود اما این تیم به همراه ربیعی نسبت به فصل گذشته فوتبال بهتری را به نمایش گذاشت؛ اما آنچه در مورد ربیعی قابل ذکر است اینکه این سرمربی مثل همیشه در یک سطح ثابت حرکت نموده و موفقیت‌های او باعث شده است هرساله در بین گزینه‌های هدایت سرخابی نیز قرار بگیرد. ربیعی بعد از اتمام فصل با خیبر خرم آباد قرار بسته و فصل بیست و پنجم را در این تیم تجربه خواهد نمود.

اخباری در ابتدای راه

محمدسعید اخباری سرمربی چادرمولو اردکان را باید در ردیف مربیانی چون سعید دقیقی بدانیم. مربی جوانی که این

تیم گمنام را به لیگ برتر آورد و در شرایط دشوار نماینده استان یزد را در این لیگ حفظ نمود. او در باشگاه‌هایی چون راه آهن، استقلال خوزستان، سپاهان و فولاد خوزستان به عنوان دستیار فعالیت داشته و توانایی خود را به عنوان مربی خوش‌فکر در فصل بیست و چهارم به رخ کشید. او که از مربیان تحصیل کرده و دارای رتبه ایران است، آینده روشنی در فوتبال ایران خواهد داشت.

سعید دقیقی و رفت آمدهای فراوان

دقیقی در ابتدای فصل در یک جایجایی دراماتیک با ملوان بندرانزلی قرارداد بست اما خیلی زود به شمس آذر بازگشت. اما این سرمربی که به نظر می‌رسد دچار چالش‌های ریز و درشت فوتبال ایران شده است، در فصل گذشته صلابت و عملکرد فصول قبل را نداشت. او که درگیر رفت و آمدهایی بی دلیل شده بود فصل را در حالی با خیبر خرم آباد به اتمام رساند که این تیم شهرستانی جدا از کسب رتبه یازدهم، به لحاظ کیفیت بازی، بسیار پرنوسان و غیرقابل پیش‌بینی در بالاترین سطح فوتبال کشور ظاهر شد. او فصل آینده سکاندار پیکان در لیگ برتر خواهد بود.

گاردیوی بدشانس

خوان کارلوس گاردیو سرمربی اسپانیایی ابتدای فصل پرسپولیس را باید بدشانس‌ترین مربی خارجی چند سال اخیر ایران بدانیم. مرد آرامی که اگر با شرایط ناپایدار دو فصل اخیر قرمزپوشان مواجه نمی‌شد، چه بسا با جام قهرمانی لیگ بیست و چهارم را پشت سر می‌گذاشت. با این حال گاردیو نتوانست فلسفه فوتبال خود را که پرسپولیس با آن بیگانه بود، در این تیم نهادینه کند و زودتر از آنچه تصور می‌شد از این تیم اخراج شد.

کارتال و فصل آینده

کارتال هنگامی که پرسپولیس آمد که تقریباً فصل برای قرمزپوشان پایتخت به پایان رسیده بود. سرمربی ترک‌تبار این باشگاه که کارنامه قابل قبولی در فوتبال ترکیه دارد از همان ابتدا نشان داد برای فصل آینده برنامه‌ریزی کرده است. با این حال پرسپولیس تحت هدایت او با توجه به بازگشت مصدومان در انتهای فصل با کیفیت بهتری بازی کرد. شاگردان کارتال تا دقایق انتهایی لیگ بیست و چهارم برای کسب سهمیه نبرد تنگاتنگی با سپاهان داشتند.

کارترون ناامید

پاتریس کارترون فرانسوی آنگاه که جانشین ژوزه مورایس شد، انتظار می‌رفت شرایط سپاهان دگرگون شود، اما روند این تیم با زمان مورایس تفاوتی نداشت. با این حال کارترون رگه‌های از بازی محتاطانه را در سپاهان به اجرا گذاشت. فوتبالی که به یکباره اوج گرفته و به تلنگری سقوط می‌کند. سپاهان در پنج هفته انتهایی لیگ از تیمی مدعی به تیمی درگیر اما و اگرها شده بود. کار کارترون با این تفکر در لیگ نخبگان آسیا بسیار سخت خواهد بود.

جباری و جام حذفی

استقلال محله برو بیا مربیان در فصل بیست و چهارم بود. اوضاع و احوالی که در نهایت به جباری رسید و به فتح جام حذفی ختم شد. در مورد جباری چند نکته قابل ذکر است. ابتدا باید او را ادامه دهنده فرهنگ قلعه نویی بدانیم. دوم اینکه او تحت هیچ شرایطی به عنوان دستیار موفق نخواهد بود. و موضوع سوم اینکه اگر استقلال به این سرمربی جوان اعتماد کند متضرر نخواهد شد.

مربیان دیگر

مربیانی چون کریم باقری، سهراب بختیاری زاده، میروارگ یوزوویچ، رضامه‌جری و سیدمجتبی حسینی در لیگ بیست و چهارم شرایط خاصی را تجربه کردند. در این بین حسینی در آلومینیوم نسبتاً موفق نشان داده و حتی از گزینه‌های هدایت تیم ملی امید نیز بود. اما کریم باقری و سهراب بختیاری زاده که به عنوان سرمربیان موقت در پرسپولیس و استقلال مشغول بکار شدند، دو عملکرد متفاوت را از خود بجای گذاشتند؛ باقری به خوبی پرسپولیس را در چند بازی حساس کنترل کرده و به کارتال سپرد، اما بختیاری زاده در دو مقطع در حالت بلاتکلیف موفق نشد تأثیر چندانی در روند این تیم و یا حفظ شرایط آن داشته باشد. میروارگ یوزوویچ نیز با وجود شروع خوب با استقلال خوزستان به بن بست تاکتیکی برخورد کرده و یک دوره کوتاه بسیار ناموفق نیز در استقلال تهران را تجربه نمود. درخصوص رضا مه‌جری نیز آنچه مهم است اینکه مه‌جری مربی زیرکی است که همیشه در شرایط بحرانی قبول مسئولیت می‌کند. شرایطی که به او اجازه مانور بیشتر را نداده و موفقیت‌های او را تحت الشعاع قرار می‌دهد.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

شنبه ۱۷ خرداد

۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۲۸

نگاهی به سوابق سیدعلی مدنی زاده وزیر پیشنهادی وزارت اقتصاد



سوابق تحصیلی

- ارشد مهندسی برق، دانشگاه صنعتی شریف
- ارشد ریاضیات محاسباتی، دانشگاه استنفورد
- دکتری اقتصاد، دانشگاه شیکاگو

افتخارات

- کسب مدال برنز المپیاد جهانی ریاضی، ۲۰۰۲
- طلای المپیاد ریاضی کشوری، ۱۳۷۸
- پژوهشگر برتر جوان اقتصاد ایران، ۱۳۹۷

سوابق اجرایی



۳۰ مقاله علمی-ترویجی

۱۵ مقاله علمی-سیاستی

۳ کتاب اقتصادی